

نقش امر به معروف در قیام سید الشهداء(ع)

در آیات قرآنی و اخبار و احادیث شریفه، یکی از بزرگترین عوامل اصلاح همه شئون اجتماعی و رواج اخلاق و اعمال حسنه، صلاحیت بزرگان و زعما شمرده شده است.

*آیت الله صافی گلپایگانی

در آیات قرآنی و اخبار و احادیث شریفه، یکی از بزرگترین عوامل اصلاح همه شئون اجتماعی و رواج اخلاق و اعمال حسنه، صلاحیت بزرگان و زعما شمرده شده است.

آیت الله صافی گلپایگانی به مناسبت ماه محرم الحرام در نوشتاری ابعاد مخلف قیام و نهضت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) به ویژه محوریت امر به معروف و نهی از منکر در این قیام را مورد بررسی قرار داده است.

وی تصریح کرده است: کارهایی را که بشر برای رسیدن به نتایجی انجام می‌دهد یا از کارهایی است که شخصیت فاعل و انجام دهنده در رسیدن به نتیجه، دخالتی ندارد و هر کس آن کار را انجام دهد به آن نتیجه نائل می‌شود، و یا از کارهایی است که شخصیت فاعل و انجام‌دهنده، در حصول نتیجه یا کمال آن مؤثر و دخیل است.

*نقش درجات اشخاص در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از همین قسم است که شخصیت اشخاص و تعینات آنها در حصول کمال موفقیت و تمامیت فایده و نتیجه آن بسیار مؤثر است.

اگر مالک یک روستا کشاورزان آن را، یا صاحب یک کارخانه، کارگران کارخانه را و یا یک عالم روحانی و یک شخص متنفذ در محیط نفوذ خود، یا یک رئیس اداره، کارمندان اداره خود را و یک افسر، نفراتی را که تحت سرپرستی او هستند و یا یک نفر رئیس دولت، بلکه بالاتر امر به معروف و نهی از منکر نموده و دعوت به خیر و اصلاح و درستی نماید، با امر به معروفی که یک فرد عادی می‌نماید از حیث اثر تفاوت بسیار دارد.

به هر قدر که یک کارگر کارخانه با رئیس آن و یک رعیت روستا با مالک آن، یک نفر سرباز با یک سپهبد و یک فرد عادی با یک عالم عالیمقام روحانی متنفذ و یک پادشاه مقتدر، به حسب ظاهر فرق دارند، به همان اندازه تأثیر کلام و نفوذ کلمه آنان در دل‌ها فرق می‌کند.

برخی از مردم اگرچه دارای عقل و ذکاوت بالا هستند و می‌توانند خوبی و بدی هر چیزی را تشخیص دهند، اما بیشتر مقهور امور حسّی و تسلیم مظاهر مادی و افتخارات و اعتبارات ظاهری این و آن هستند و بیشتر به بزرگان و سران جامعه نگاه می‌کنند. اخلاق و عادات و کارهای یک ملت زیاده‌تر موافق اخلاق و عادات مسئولان و رؤسای قوم است.

از این جهت، مصادر کارها و صاحبان قدرت و نفوذ و به طور کلی هر کس که دیگری از کار او تقلید و از سخن او پیروی می‌نماید، اولاً در تعدیل روش خود اهتمام نموده، سرمشق ایمان و امانت و درستکاری و حیا، عفت و عدالت و نوع‌پروری برای دیگران گردند.

و ثانیاً در امر به معروف مسامحه ننموده و از تمام وسایلی که دارند برای اصلاح امور و ترویج اعمال صالحه و ریشه‌کن کردن معاصی و فساد استفاده نموده، زیردستان خود را راهنمایی کنند. ولی در عین حال زیردستان هم نباید مسامحه زبردستان و ارباب مکت و قدرت را عذر خود شمرده و در امر به معروف و نهی از منکر به انتظار آنها بنشینند.

* خطبه نورانی امام حسین (علیه السلام)

در آیات قرآنی و اخبار و احادیث شریفه، یکی از بزرگترین عوامل اصلاح همه شئون اجتماعی و رواج اخلاق و اعمال حسنه، صلاحیت بزرگان و زعما شمرده شده است که فعلاً از ذکر همه آن اخبار و احادیث به واسطه کمی فرصت و ضیق مجال، معذوریم و فقط به نقل مفاد روایتی که در بحارالانوار از کتاب تحف العقول روایت نموده است از حضرت امیرالمؤمنین و از حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام - که به طوری که از مضامین روایت استفاده می‌شود مخاطب امام علیه‌السلام بزرگان و

رجال اسلامی بوده‌اند- اکتفا می‌کنیم:

ای مردم! عبرت بگیرید به چیزی که خداوند اولیای خود را به آن وعظ نموده و آن سرزنش و توبیخ اوست نسبت به احبار یهود و نصاری که فرمود: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمُ؛ چرا نهی نمی‌کنند ایشان را، یعنی اهل کتاب را احبار و دانشمندان آنها از سخن گناه و ناروا.» (1)

و فرمود: «لَعَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ؛ آن کسانی که کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن شدند برای آن که مرتکب عصیان و تجاوز گردیدند و از کار زشت یکدیگر را باز نداشتند و هر آینه بد بود کارهایی که مرتکب می‌شدند.» (2)

خدا آنها را به عیب نسبت نداد مگر برای آن که از ظلمه و ستمکاران کارهای زشت و فساد و منکرات را می‌دیدند و آنها را برای رغبتی که به دنیایشان داشتند و منافعی که از آنها می‌بردند و رعب و بیم نهی از منکر نمی‌کردند و حال آنکه خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَحْشَوْا النَّاسَ وَاحْشَوْا اللَّهَ؛ از مردم نترسید و از من بترسید.» (3)

و هم فرموده‌ی خداست که: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مؤمنین و مؤمنات یاوران و اولیاء یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» (4)

*اصلاح امور مرهون انجام امر به معروف و نهی از منکر است

خدا از آن جهت امر به معروف و نهی از منکر را نخست نام برد که اگر این فریضه ادا شد، همه واجبات کوچک و بزرگ آسان و دشوار بر پا می‌شوند.

شما ای گروهی که در دانش مشهور و به نیکوکاری مذکور و به خیرخواهی مردم معروفید! خدا در دل مردم، مهابت و احترام شما را قرار داده است که اشراف و بزرگان از شما بیمناک و حساب می‌برند و ضعفا از شما تکریم می‌نمایند و کسانی که شما را بر آنها امتیازی نیست و نه حق بر آنها دارید شما را بر خود مقدم می‌دارند و شما را واسطه قضای حوایج خود قرار می‌دهند. شما باید که در راه‌ها به هیئت و روش پادشاهان و عزت بزرگان راه می‌روید. شما باید که مردم تعظیم و احترامشان می‌کنند و شما را جلو می‌اندازند. آیا این همه مناصب و شئون و احترامات و تکریماتی را که به دست آورده‌اید، جز برای این است که شما را طرفداران و برپادارنده حقوقی که از طرف خدا معین شده گمان می‌کنند، با آن که شما در خیلی از حقوق خدا و وظایفی که در حفظ مقررات و حفظ نوامیس و قواعد الهیه دارید کوتاهی می‌کنید.

شما به حق پیشوایان و امامان خود استخفاف می‌نمایید و حقّ ضعفا را پایمال و ضایع می‌کنید، ولی اگر به گمان خود حقّ داشته باشید آن را مطالبه می‌کنید، شما نه مالی بذل می‌نمایید و نه مردمی هستید که در راه خدا فداکاری و جانبازی و گذشت داشته باشید. نه در راه خدا و حمایت از حقّ با کسی خصومت و دشمنی می‌کنید و با وجود این تمتای بهشت خدا و همجواری با پیغمبران خدا و نجات از عذاب دارید؟!

*بی تفاوتی نسبت به نقض احکام الهی جایز نیست

من از آن می‌ترسم که برخلاف این آرزو به نعمتی از نعمات و عذابی از عذاب‌ها گرفتار شوید. برای آن که شما از موقعیت خود سوء استفاده می‌کنید. شما به نام دین و به نام خدا و به نام انتظام امور جامعه و اصلاح احوال خلق بر مردم آقایی و سروری و برتری و فضیلت یافته‌اید، در حالی که می‌بینید عهدهای خدا را که عبارت از واجبات و محرمات و تکالیف شرعی باشد نقض شده است، تکان نمی‌خورید و مضطرب نمی‌شوید، در حالی که نسبت به عهدهای پدرانتان اگر نقض شود و حرمت آن را نگاه ندارند، متغیّر شده بر خود می‌لرزید.

دستورات و عهدهای پیغمبر حقیر و پست گردیده است. شما می‌بینید که بیچارگان و عجزه و ناتوانان در میان شما بی‌سرپرست مانده و بر آنها رحمی نمی‌شود. نه در شغل و منصب و منزلتی که دارید وظیفه خود را انجام می‌دهید، و نه در کارهای زشت، کسی را ملامت و سرزنش می‌کنید. با ظلمه و ستمکاران با مدارا و مسامحه زندگی می‌نمایید.

تمام این مفاسد برای آن است که شما از نهی از منکر غفلت کرده‌اید. شما از همه مردم از جهت مصیبت بزرگ‌ترید، برای آنکه از شما مقامی که حقّ علما و دانشمندان است انتزاع شده است با آنکه باید جریان کارها و اجرای احکام به دست علما

باشد که امنای خدایند، بر حلال و حرام او این حق و منزلت سلب نشده، مگر برای تفرقه و اختلاف و عدم اتفاق شما بر حق.

شما باید که اگر بر رنج و اذیت، صبر و شکیبایی می‌داشتید و متحمل مؤونه در راه خدا می‌شدید کارها را به دست می‌گرفتید و مرجع و مصدر امور می‌گشتید، ولی ستمکاران را در کارها تسلط دادید و مناصب را به آنها تسلیم و واگذار کردید تا آنکه آنها مطابق شهوات و نظریات پست خود رفتار نمایند. آنها را تسلط دادید برای فرار و گریزی که از مرگ دارید و برای علاقه‌ای که به این زندگی زایل و فانی دارید. پس ضعفا را به دست ظلم آنها سپردید تا انواع مصیبات و فشارها ما بر آنها وارد شود و آنها را با هر چوب که بخواهند برانند و مانند جبّاران و زمامداران خدانشناس بی‌مانع و دافعی در روی زمین به میل خویش رفتار نموده در هر شهر و ناحیه دست ظلم آنها دراز باشد و بندگان خدا را استخدام و استعباد کنند.

همانا در شگفتم و چگونه نگریم و تعجب نکنم و حال آن که روی زمین را ستمکاران و خائنین و ولات و فرمانروایان و فرمانداران نامهربان گرفته‌اند، خدا حاکم و قاضی است در آنچه که در میان ما آشکار شده و در آن منازعه داریم.

خدایا! تو می‌دانی که آنچه می‌گوییم و می‌کنیم نه برای رغبت و طمع به سلطنت و پادشاهی است و نه برای داد گرفتن از دشمنان، بلکه می‌خواهیم بلاد و شهرستان‌ها اصلاح و معمور گردد و معالم دین تو اظهار شود و مظلومین و ستمدیدگان در ضمان امان زندگی کنند و سنن و احکام و فرایض تو عملی گردد.

شما ای مردم! اگر ما را یاری نکنید و انصاف ندهید، ستمکارها بر شما مسلط می‌گردند و در خاموش کردن نور پیغمبر اقدام می‌نمایند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۳.

۲. همان، آیه‌ی ۷۸.

۳. همان، آیه‌ی ۴۴.

۴. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱.